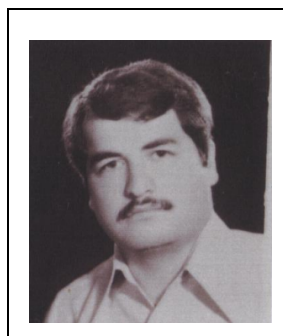


رفیق ابراهیم شفیعی



رفیق ابراهیم در سال 1338 در خانواده ای مرفه مذهبی و سنتی در حوالی نظام آباد تهران دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی اش در پیوند با مردم محل سپری شد. او به دلیل تأکید خاص خانواده اش به تحصیل، در بهترین مدارس تهران تحصیل کرد و در نخستین کنکور پس از قیام در سال 58 با کسب رتبهٔ چهلیم در رشتل برق دانشگاه صنعتی پذیرفته شد. هوش و استعداد خارق العادل او در علوم ریاضی به قدری بود که تمام معلمان او در دبیرستان های هدف و البرز را شگفت زده کرده بود. یکی از استادان دانشگاه صنعتی از پدرش خواسته بود که ابراهیم را برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور بفرستد، زیرا به اعتقاد او امکانات و سیستم آموزشی ایران نمی توانست پاسخ گوی زمینه های رشد و خلاقیت او باشد. ولی ابراهیم این استعداد و خلاقیت را در دانشگاه انقلاب و در راه آزادی و سوسیالیسم به خدمت گرفت.

با اوج گیری جنبش توده ای در سال 57، فعالانه در تظاهرات دانش آموزان شرکت نمود. او که از سال ها قبل با افراد سیاسی رابطه داشت، خیلی زود به فعالیت حرفه ای و آگاهانه سمت گیری کرد. پس از شرکت فعالانه در قیام بهمن و حرکات توده ای و با اعلام موجودیت " راه کارگر" در آبان سال 58، به سازمان ما پیوست و از همان آغاز به صورت حرفه ای و تمام وقت به کار تبلیغاتی پرداخت. نخست در واحد دانشجویی دانشگاه صنعتی و سپس در بخش محلات، با نام تشکیلاتی " داوود" فعالیت نمود. رفیق ابراهیم شفیعی در دوران پر تلاطم پس از قیام با قاطعیت کامل، خانواده و برخی دیگر از بستگانش را که آن موقع فریب ارتجاع مذهبی را خورده بودند، ترک کرد و در خانه ای اجاره ای در نظام آباد به مبارزه اش ادامه داد. او علاوه بر کار تشکیلاتی، روابط گسترده توده ای داشت. او هر گاه فرصتی می یافت با کارگران و زحمت کشان محل به صحبت می پرداخت، شب های بسیاری را با کارگران فصلی و قفل سازهائی

که در مغازه های محل می خوابیدند، به سر می برد، با آنها زندگی می کرد، و گاهی نیز با هم به سر کار می رفتند.

او یک بار در سال 59 هنگام فعالیت سازمانی، به همراه یکی از رفقایش، دستگیر و به زندان قصر برده شد و بیش از دو هفته مورد شکنجه قرار گرفت. او در آنجا برای اولین بار مبارزه تا پای جان در راه زحمت کشان را تمرین کرد. وقتی او را به اعدام مصنوعی برده بودند، استوار در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و سرانجام با دادن اسامی جعلی و ایستادگی روی اطلاعات غیر واقعی و توفیق در گمراه کردن دشمن، آزاد شد.

رفیق " داوود" پس از آزادی با شور و اشتیاق بیشتر و کینه ای عمیق تر به مبارزه ادامه داد و در آغاز دوره سرکوب سرتاسری سال 60، در سازمان دهی مخفی تشکیلات، جدیت و جسارت خود را نشان داد. رفیق ابراهیم در فردای 30 خرداد 60 دستگیر گردید و پس از چهار ماه شکنجه و مقاومت و بدون هیچ گونه ملاقاتی در روز 30 مهر ماه سال 1360 اعدام گردید.

یادواره ابراهیم همواره زنده خواهد ماند.